

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی رهیافت

سال هفدهم، شماره ۶۵، زمستان ۱۴۰۲
صفحه ۲۵۹ تا ۲۸۶

تأثیر خلیات اجتماعی کارگزاران دولت بر فساد سیاسی (مطالعه موردی: ادارات استان کرمان)

ویدا رفیعی سربیژن / دانشجوی دکتری رشته علوم سیاسی، گرایش مسائل ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت، بافت، ایران vida.rafiiee@gmail.com

مجید معصومی / گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت، بافت، ایران (نویسنده مسئول) @yahoo.com2002m_masomi

مجید گل پرور / گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت، بافت، ایران. majid_golparvar@yahoo.com

چکیده

چکیده

فساد سیاسی یکی از بزرگترین موانع توسعه در کشورهای در حال توسعه و همچنین در کشور ما است. در ایران خصوصیات شخصیتی، ساختارهای مبارزه با فساد سیاسی را با مشکل روبرو ساخته است. براین اساس سؤال این تحقیق این است که خلیات کارگزاران دولت چگونه بر فساد سیاسی تأثیرگذار است؟ فرضیه تحقیق این است از آنجایی که در نهایت کنش در اولین حلقه ارتباطی، توسط شخصیت صورت می گیرد ویژگی های شخصیتی کارگزاران نهادها با ایفای نقش کاتالیزوری نقش اولیه و تسهیل گری برای فساد ایجاد می کنند. یکی از این ویژگی ها رفتاری است که افراد در مبارزه با فساد سیاسی از خود نشان می دهند. بنابراین پژوهش حاضر با هدف شناخت نقش خلیات اجتماعی کارگزاران دولت بر فساد سیاسی کارکنان ادارات استان کرمان در وضعیت کنونی انجام شد. این تحقیق به لحاظ هدف از جمله تحقیقات کاربردی و از منظر روش کمی است. یافته های این تحقیق نشان داد خلیات (بی اعتمادی، عدم صداقت، خودمحوری، ضعف در مسئولیت پذیری، مردم داری، تقدیرگرایی، اقتدارطلبی) بر فساد سیاسی کارکنان ادارات استان کرمان تأثیر گذاشته است. در نتیجه می توان گفت که خلیات اجتماعی می تواند عاملی در تسریع فساد سیاسی در ادارات استان کرمان باشد. راهکار پیشنهادی محقق نهادینه شدن قدرت، آموزش، گردش نخبگان، افشا سازی سیاسی، نظارت و ایجاد بستری برای شفاف سازی است.

کلیدواژه: فساد سیاسی، خلیات اجتماعی، کارگزاران دولت، ادارات، کرمان

تاریخ تایید: ۱۴۰۲/۰۹/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۶

مقدمه

از زمان شکل‌گیری دولت‌ها و به وجود آمدن مسئولیت‌های اجتماعی و تقسیم کار رقابت‌هایی بر سر منابع مالی و قدرت در جوامع شکل گرفت. در این بین علاوه بر رقابت‌های سالم بر سر منابع، پدیده دیگری هم تحت عنوان فساد به وجود آمد. کشور ایران نیز مانند تمامی کشورهای جهان از این قاعده مستثنی نبوده و همواره شاهد انواع فساد به خصوص فساد مالی و سیاسی بوده است. در این پژوهش تاکید و محور اصلی بررسی فساد سیاسی است، چرا که شواهد در جامعه ایران نشان می‌دهد فساد سیاسی یکی از مسائل فراگیر در چند سال اخیر و به خصوص در سال‌های بعد از جنگ مسئله‌ای بحث‌انگیز در جامعه و در دولت شده است. معضل فساد سیاسی آن‌چنان در دولت ریشه دوانده که در افواه عمومی افراد برای رسیدن به موقعیت‌های بالای حکومتی یا باید با افراد دارای قدرت رقابت اجتماعی و یا رقابت کاری داشته باشند. این موضوع آنچنان در جامعه بدیهی شده است که حتی گاه مقامات دولتی نیز از مطرح شدن آن در انظار عمومی ابائی ندارند و همان‌طور که گاهی در اخبار هم شاهد آن هستیم که وزیری داماد یا فرزند خود را به سمت مهمی در دولت بدون داشتن هیچ پشتوانه علمی یا کاری گماشته است. فساد سیاسی که سوءاستفاده از قدرت عمومی توسط صاحبان قدرت است که می‌تواند شامل هم نخبگان دولتی و هم کارگزاران دولت در نظام سیاسی شود (هیوود ۱۳۹۷: ۲۸). برای روشن‌تر شدن مفهوم می‌توان گفت در سازمان یا اداره دولتی همه افراد دارای سطحی از قدرت هستند از کارمندان خرد تا رئیس آن سازمان توانایی اعمال قدرت در بخش‌هایی خاص را دارا هستند، اما هرچه سمت افراد بالاتر باشد این توانایی اعمال قدرت و سلطه بردیگری بیشتر است و معمولاً فساد سیاسی زمانی پررنگ می‌گردد که فرد به دنبال کسب قدرت (سمت) است. در واقع فساد سیاسی از این منظر برای جامعه ایران چون سرطان اجتماعی بدخیمی محسوب می‌شود که پیامدهای بی‌شماری به دنبال داشته و آسیب‌های سخت و جبران‌ناپذیری به پیکره‌ی نظام سیاسی وارد کرده است. از جمله پیامدهایی مانند کاهش رشد اقتصادی، کاهش درآمدهای مالیاتی، تضعیف خدمات عمومی و زیربنایی در جامعه، کاهش سرمایه‌های اجتماعی و از بین رفتن اعتماد عمومی که خود بحران

¹Heywood

مشروعیت و مقبولیت را برای حکومت به همراه داشته است. بنابراین بررسی عواملی که باعث به وجود آمدن فساد سیاسی در جامعه شده است، از مهمترین دلایل پرداختن به این موضوع است. در این پژوهش فرض پژوهشگر بر این است که خلیقات اجتماعی در جامعه بر فساد سیاسی تاثیر گذار بوده است. خلیقات در واقع بخشی از رفتارهای نهادینه در جامعه هستند که در طول تاریخ تکرار شده‌اند. به طور مثال ویژگی‌هایی مانند اقتدارگرایی، خودمحوری بخشی از خلیقات شکل گرفته ایرانیان است که ریشه تاریخی و اجتماعی آن را می‌توان در وجود نظام پدرسالاری و ساختارهای ایلداری جامعه دانست. این خلیقات شبکه پیچیده‌ای از روابط را در بین کارگزاران و صاحبان قدرت به وجود آورده است که به بدنه دولت هم نفوذ پیدا کرده است.

با توجه به اینکه در امر اجتماعی مطلق‌گرایی امری مذموم و غیرعلمی است، به همین منظور برای سنجش فرضیه اعلام شده، استان کرمان و نهادها و دستگاه‌های عمومی آن انتخاب گردید. استان کرمان به عنوان بزرگ‌ترین استان کشور، در جنوب شرقی ایران واقع شده و به دلیل وجود صنایع بزرگ معدنی و قطبهای پهناور کشاورزی، در سالیان متوالی رتبه نخست صادرات غیرنفتی را از آن خود کرده است. به دلیل حاکم بودن فرهنگ قومی و وجود فرصتهای اقتصادی ویژه در این استان، اداره‌های دولتی در نوع خود در ارائه مجوزها و امضاهای طلایی از قدرت فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده‌اند، از این رو امکان سواستفاده و فساد سیاسی نیز افزایش پیدا می‌کند (سپهوند و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۸۳-۶۰۴). از سوی دیگر وجود حجم بالای پرونده‌های فساد در استان کرمان است، این در حالی است که آمار فساد در کل ایران ۶/۴۸ است و کرمان ۶/۷۹ گزارش شده است (اتاق بازرگانی تهران، ۱۳۹۷). توجه به موارد فوق نشان می‌دهد که فساد سیاسی و اداری یکی از مسائل و مشکلات اصلی استان کرمان است. و با توجه به این که باید مجموعه‌ای از روابط وجود داشته باشد تا فساد سیاسی بتواند به حیات خود ادامه دهد به نظر می‌رسد این موضوع برگرفته از فساد سیاسی در سطوح بالاتر حکومتی است که به سطوح پایین‌تر در استان‌هایی مانند کرمان و متعاقباً در ادارات نفوذ پیدا کرده است. و به همین دلیل به نظر می‌رسد کرمان مورد مطالعه‌ی مناسبی برای تحقیق حاضر باشد. محدوده‌ی زمانی تحقیق حاضر دوره‌ی ۵ ساله‌ی کنونی است و تلاش خواهد شد به این سؤال پاسخ داده شود که خلیقات اجتماعی چه تاثیری بر فساد سیاسی کارکنان ادارات

استان کرمان گذاشته است؟

۱. پیشینه پژوهش

کلاته و دین پرست (۱۴۰۲) در مقاله خود با عنوان «تأملی بر نسبت میان نهادمندی اعمال قدرت سیاسی و فساد سیاسی (با تأکید بر دوره جمهوری اسلامی ایران)» به این نتیجه رسیده‌اند که در سال‌های اولیه انقلاب اسلامی ۵۷، نیروهای سیاسی اسلامی، بخصوص طیف فقهاتی، به دلیل برخورداری از قدرت اجتماعی گسترده، نقش برتر و انحصاری در تعیین و تدوین قواعد و رویه‌های اجرای قدرت سیاسی داشته‌اند و همین امر منجر به توزیع نابرابر قدرت سیاسی در ساختار سیاسی حاکم و در نتیجه، تضعیف نهادمندی اعمال قدرت سیاسی و تشدید فساد سیاسی شده است.

رفیعی سربیزن و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر خلیات اجتماعی بر فساد سیاسی در جمهوری اسلامی ایران (مورد مطالعه: ادارات استان کرمان)» با مطالعه بر روی ۲۵ اداره شهر کرمان به این نتیجه رسیده‌اند که از میان معیارهای اصلی که خلیات ایرانیان است معیار ترس نهادینه شده (C 3) با وزن ۰/۴۴۸ رتبه اول، معیار بی‌اعتمادی (C 5) با وزن ۰/۲۳۳ رتبه دوم، عدم شفافیت (C 1) با وزن ۰/۱۱۱ رتبه سوم، خودمحوری (C 2) با وزن ۰/۰۷۲ رتبه چهارم، عدم صداقت (C 4) با وزن ۰/۰۶۹ رتبه پنجم پارتی‌بازی (C 6) با وزن ۰/۰۶۷ رتبه ششم را کسب کرده است. در نتیجه می‌توان گفت خلیات اجتماعی در فساد سیاسی در شهر کرمان نقش پررنگی نداشته است و اگر بخواهیم موضوع فساد سیاسی را صرفاً به خلیات فردی و ایرانی مربوط بدانیم دچار تقلیل‌گرایی در توضیح موضوع شده‌ایم.

رحمانیان و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «تعیین‌کننده‌های اجتماعی گرایش به فساد اداری و مالی در بین کارمندان دولتی شهر جهرم» با بهره‌گیری از روش پیمایشی و جامعه‌ی آماری کلیه‌ی کارمندان دولتی شهر جهرم (۴۰۰ نفر) به این نتیجه رسیده‌اند که در بین سازه‌های تحقیق، وجدان‌کاری، دین‌داری و فرهنگ سازمانی مشارکتی و انعطاف‌پذیری بر گرایش به فساد اداری مالی تأثیر مثبت و معنادار داشته‌اند. در بین متغیرهای جمعیتی رابطه نوع شغل، طبقه اجتماعی و درآمد با گرایش به فساد اداری و مالی معنادار است. تبیین متغیر وابسته بر حسب مجموع متغیرهای مستقل، بیانگر آن است که پنج متغیر فرهنگ سازمانی، وجدان کاری، طبقه اجتماعی، درآمد و بعد یکپارچگی فرهنگ سازمانی به ترتیب قوی‌ترین پیش‌بینی

کننده گرایش به فساد اداری مالی هستند و قادرند ۰/۲۰۳ از تغییرات گرایش به فساد اداری مالی را تبیین کنند.

سپهوند و همکاران (۱۳۹۷) « اثر سرمایه ساختاری بر کاهش فساد اداری با نقش میانجی انگیزه‌های فردی ارتکاب فساد (مطالعه موردی: سازمان‌های دولتی استان کرمان) » با روشی توصیفی پیمایشی به این نتیجه رسیده‌اند که سرمایه‌ی ساختاری بر کاهش فساد اداری و انگیزه‌های فردی ارتکاب فساد، تأثیر مثبت و معناداری دارد و همچنین سرمایه ساختاری هم به صورت مستقیم و هم از طریق انگیزه‌های فردی بر کاهش فساد اداری در دستگاه‌های دولتی تأثیر می‌گذارد.

میرو هاچک و همکاران (۲۰۱۳) در مقاله‌ای با عنوان « مسائل فساد و بدگمانی در مؤسسات سیاسی و اداری اسلوونی » نتیجه می‌گیرند که فساد انحراف اجتماعی است که در جوامع مختلف از آغاز وجود داشته است و در دهه گذشته مشخص تر شده است. به طور خاص، فساد در بخش دولتی یکی از مهم‌ترین مشکلات به شمار می‌آید و باید در هر کشور مدرنی مورد توجه کامل قرار گیرد. از این رو ارتقاء آگاهی عمومی، حفاظت و گسترش آزادی مطبوعات، توسعه پژوهش‌های علوم اجتماعی در زمینه فساد و بالاتر از همه، توسعه ابزارهای مدرن مبارزه با فساد برای پیشگیری و مبارزه با این پدیده ضروری می‌نماید. همان‌طور که مشاهده نمودیم، فساد به صورت علنی به عنوان یکی از مهم‌ترین مشکلات اسلوونی دیده می‌شود، اما از سویی دیگر بسیاری از مردم هیچ تجربه شخصی درباره فساد و یا اعمال فساد آمیز نداشته‌اند. با این وجود حتی اگر تصور عمومی در مورد فساد کمابیش نادرست باشد، آگاهی مستمر از این مشکل و تداوم بهبود ابزارهای مورد نیاز برای پیشگیری و مبارزه با فساد حائز اهمیت هست چرا که از بین بردن فساد آسان نخواهد بود و مستلزم حمایت کامل (به خصوص سیاسی) برای گام‌های بعدی در این کشور خواهد بود.

سیکا^۱ و لمان^۲ (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با عنوان «فساد و محدودیت‌های جلوگیری از فساد در تدارکات دولتی و ساختن موضوعات اخلاقی» نتیجه می‌گیرند که فساد سیاسی در برنامه‌های تدارکات دولت، مشکلی چندین ساله است. مقاله‌ی نوشته شده بر ارزشمندی وجود کنترل‌های

1. Prem Sikka

2. Glen Lehman

داخلی در بخش‌های دولتی برای محدود کردن اشخاص و همچنین ارتقای رهنمودهای اخلاقی تأکید می‌نماید. آن‌ها معتقدند کنترل‌های داخلی در بخش‌های دولتی، هرچند بسیار مطلوب هست اما بعید است عاملی مهم و بازدارنده در روش‌های اعمال فساد سیاسی برای حفظ قراردادهای دولتی باشد. دلیل اصلی که برای این استدلال قابل ذکر است، عرضه‌ی فساد از جانب شرکت‌های علاقه‌مند به حفظ قراردادهای پرسود است. در کالبد سرمایه‌داری معاصر، این شرکت‌ها میل سیری‌ناپذیری برای کسب سود دارند و تمایل به شرکت در روش‌های مفسدان را برای حفظ بخش‌های دولتی را نشان داده‌اند.

۲. چارچوب مفهومی

برای بهره‌گیری از مفهوم خلیات اجتماعی باید در شناخت ابعاد و سیر تاریخی مطالعات تامل کنیم. بررسی‌ها نشان می‌دهد تعاریف متعدد و بعضاً ناهمخوانی از خلیات اجتماعی ارائه شده است. بررسی بیشتر در این تعاریف و دلالت‌های آن‌ها نشان می‌دهد به دلیل کثرت موارد متنوع از آن، ارائه تعریف واحد غیرممکن به نظر می‌رسد. متفکران متعدد بسته به نوع نگاهشان تجلی این پیوندهای مشترک را در باورهای مشترک، رفتارهای مشترک، شخصیت‌های مشترک، و مانند آن جست و جو می‌کنند و بدین ترتیب انواع مطالعات خلیات اجتماعی را با تنوعات زیاد شکل می‌دهند که نقطه آغاز ما برای شناخت این مفهوم است.

ما در ابتدا برای شناخت مفهوم خلیات اجتماعی از طبقه‌بندی ترهون^۱ سود برده‌ایم. وی اجزا و مفاهیم خلیات اجتماعی را به سه دسته تقسیم می‌کند. در این قسمت از مولفه‌های تحلیلی نظریه او استفاده شد. از نظر ترهون مولفه‌های تحلیلی خواصی هستند که با انجام برخی عملیات ریاضی بر روی برخی ویژگی‌های هر فرد مجزا بدست می‌آید. رایج‌ترین مفهوم مورد استفاده در توصیف تحلیلی خلیات اجتماعی، مفهوم شخصیت هنجاری است. شخصیت هنجاری به پرتکرارترین الگو یا الگوها در توزیع آماری ویژگی‌های خاص یا سنخ‌های شخصیتی درون یک ملت اشاره دارد (Terhune, 1970: 213). تکیه اصلی این پژوهش بر مولفه‌های تحلیلی و شخصیت هنجاری نظریه ترهون است که ویژگی‌های خاص یا سنخ‌های شخصیتی پرتکرار درون یک ملت را در برمی‌گیرد. مطالعات خلیات اجتماعی با وجود تمایزات طبقاتی، جنسیتی، تجارب متفاوت خانوادگی، شغلی و...؛ برای همه یا بیشتر اعضای

^۱ Terhune

یک ملت شخصیت یا ویژگی خاصی قائل شدن را سخت نموده است و معمولاً این مطالعات از چندین منبع می‌توانند به دست آیند. از جمله سفرنامه نویسان؛ ایران شناسان؛ یا خود محققین ایرانی که در این حوزه تحقیقاتی انجام داده‌اند.

به دلیل اینکه اطلاعات راجع به خلیقات اجتماعی ایرانیان از سوی دیگر اندیشمندان و صاحب نظران خارجی ممکن است با توجه به شرایط جامعه خودشان باشد در این پژوهش تصمیم بر این شد برای بررسی پرتکرارترین الگوهای اخلاقی در جامعه از نظرات اندیشمندان ایرانی استفاده شود. سپس بعد از مشخص شدن مفهوم خلیقات اجتماعی، برای مشخص کردن خلیقات پرتکرار در ایران از نظر مقصود فراستخواه در کتاب *ما ایرانیان* که به موضوع ما نزدیک‌تر است؛ استفاده شد. این کار به دو علت انجام شد: نخست، به این دلیل که بررسی فراستخواه جدیدتر از برخی دیگر از مطالعات است؛ دوم اینکه داده‌های فراستخواه به صورت میدانی جمع‌آوری شده و جامعه آماری هم که مورد مطالعه قرار داده، قشر دانشگاهیان است. لذا این باعث شده که او جبهه‌گیری خاصی نسبت به خلیقات اجتماعی ایرانیان نداشته باشد و مطالعات خود را بر نتایج به دست آمده از تحقیقات معطوف کند.

در بحث فساد سیاسی از نظریه پل هیوود استفاده شد. از نظر او فساد سیاسی سوءاستفاده از قدرت عمومی توسط نخبگان قدرتمند در اهداف غیرقانونی، مانند رشوه، اخاذی، پارتی‌بازی، اختلاس و سوءاستفاده از مقام دولتی در سطوح بالای حکومتی برای اهداف غیرقانونی و معمولاً برای منافع شخصی و مخفی است. در انواع سیستم‌های سیاسی مستعد، فساد به اشکال متفاوت وجود داشته. اما شایع‌ترین آن‌ها فساد اداری و سیاسی است که نمود آن به شکل‌هایی مانند پارتی‌بازی، رشوه، لابی‌گری اعمال‌نفوذ، رانت‌خواهی در نظام سیاسی مشهود است (هیوود، ۱۳۹۷: ۲۳). هیوود برای دسته‌بندی انواع فساد سیاسی چند نوع کلی را نام می‌برد که عبارتند از:

- فساد سواداگرایانه: که از آن به عنوان توافق دوجانبه میان دهنده و گیرنده نام می‌برد؛
- فساد غاصبانه: حالت اجبار و اضطراب است که معمولاً برای اجتناب از نوعی صدمه‌ای که ممکن است به دهنده یا نزدیکان او وارد آید صورت می‌گیرد.
- فساد آشناپورانه: به نصب و انتصاب غیر قابل توجیه دوستان یا خویشاوندان به مناصب دولتی در سطوح بالای حکومتی یا نشان دادن رفتار تبعیض‌آمیز اشاره دارد.

-فساد حمایت گرایانه: اقدامات انجام شده برای حفاظت یا تقویت فساد موجود که معمولاً از طریق دسیسه چینی یا از طریق خشونت ارائه می شود. که نه منحصر به قانون است و نه وابسته به عرف یا هنجارهای اخلاقی جامعه (هیوود ۱۳۹۷: ۲۸)

همچنین در باب فساد سیاسی باید به پنداشته‌های ذهنی فرد نیز توجه کرد. زیرا در سطح فردی فساد سیاسی می‌تواند به مثابه محصول ذهنیت عقلانی یک فرد برای اخذ هزینه‌ها و سودهای مدنظر وی در جایگاهش در دستگاه و نهاد عمومی باشد. «در این مدل افراد تصمیم‌گیرنده، افرادی را شامل می‌شود که می‌کوشند منافع خود را در جهانی از منابع کمیاب بدست آورند. به طور ساده‌تر، در این رهیافت این نگاه دنبال می‌شود که سیاست‌مداران در پی کسب قدرت سیاسی و مالی هستند که اگر اهداف آنها صرفاً سیاسی باشد، روند سالم رقابت، فرایند تصمیم‌گیری و نظارت سیاسی را مختل می‌کند و منابع نظام سیاسی را به دنبال اهداف خود می‌کشند. در این رهیافت پیش فرض این است که گروه‌های انسانی اهم از سیاست‌مداران، مأموران دولتی در حالت معمول به دنبال حداکثر سودآوری و منفعت طلبی هستند و براساس این تئوری افراد برای کسب سود و منفعت بیشتر به رانت‌جویی و زیاده‌طلبی و تبارگرایی رفتارهای فاسد گرایش پیدا می‌کنند. در واقع و مبتنی بر این رهیافت افراد به مثابه موجوداتی عقلانی بیشتر تلاش می‌دارند تا منافع شخصی خود را در مقیاسی بزرگ و قابل توجه به دست آورند و پیشرفت قابل توجهی بکنند و فساد در این فرآیند راهگشا و قابل استفاده است. در این دیدگاه برخلاف نگاه کارکردگرایی ساختاری این کارکردگرایی رفتاری و نتایج ناشی از آن است که بیشتر مدنظر و توجیه و تحلیل قرار می‌گیرد. البته باید توجه نمود که از این منظر عوامل سازمانی، اوضاع و احوال پیرامونی و باورهای ارزشی و اخلاقی افراد نیز به عنوان بستری در نظر گرفته می‌شود که بر محاسبه هزینه‌ها و سودها برای کارگزاران حکومتی و مفهوم نفع شخصی اثر ویژه‌ای می‌نهد» (رفیعی، ۱۴۰۱: ۴۶۰۱-۴۶۱۵). تأکید و تمرکز پژوهش حاضر مبتنی بر رویکرد فردی یا شخصیتی است.

۳. تضاد سازمان با فرهنگ سیاسی ایرانی

سازمان از دیدگاه کلاسیک‌ها عبارت است از ساختاری از روابط قدرت، اهداف، نقش‌ها، فعالیت‌ها، ارتباطات و عوامل دیگر بین افرادی که با یکدیگر به صورت گروهی کار می‌کنند (هیکس و گولت، ۱۳۸۱: ۳۸). سازمان و تمام منظومه‌ی مفهومی و رفتاری هم‌بسته با آن از

جمله اهداف، فعالیت‌ها، ماهیت و مبنای آن اصولاً بخشی از یک چارچوب گسترده‌تر به شمار می‌رود. چارچوب یا به عبارتی بهتر صورت‌بندی گفتمانی که سازمان در پیوند و در متن آن معنا و هستی‌یافته است همان صورت‌بندی تجدد است. علم به این موضوع باعث شده تا ماکس وبر مهمترین ویژگی سازمان را «عنصر بی نام و نشانی» ذکر کند؛ یعنی افراد در درون آن فقط با اهداف سازمان و در راستای دستیابی به آنها شناخته می‌شوند. (وبر، ۱۳۸۵: ۲۸). بر این مبنا بکارگیری مقولات و مفاهیم سازمان در خارج از متن و چارچوب صورت‌بندی تجدد تردیدآمیز و پرسش برانگیز است. این در حالی است که سازمان نیز همانند هر پدیده‌ای دیگر در پیوند با صورت خاصی از آگاهی، مستلزم تحقق مبانی، مقدمات و تکوین لوازم و شرایطی است که در افق تاریخی و فرهنگی رخصت یافته است. این بی‌توجهی به مقدمات باعث گسست در پیوند آن با مدرنیته می‌شود. به آسانی آشکار خواهد شد که زمینه‌های شکل‌گیری مبانی و ملزومات تنها در تجربه‌ی تاریخی مدرنیته معین و مهیا شده است. به عبارت دیگر مدرنیته غربی یا تجدد مرکزی یگانه بافتار و زمینه‌ای است که شرایط تأسیس نهادها و سازمانها، احزاب یا حتی وزارتخانه‌هایی مانند وزارت امور خارجه، وزارت کشور، استانداری-ها،... در درون آن امکان تحقق وجود دارد. سازمان و تمام منظومه‌ی مفهومی و رفتاری همبسته با آن اصولاً بخشی از یک چارچوب گسترده‌تر به شمار می‌رود. چارچوب یا به عبارتی بهتر صورت‌بندی گفتمانی که سازمان در پیوند با دولت در متن آن معنا و هستی‌یافته است همان صورت‌بندی تجدد است. (نوروزی، ۱۳۸۲: ۱۵۸). بر این مبنا بکارگیری مقولات و مفاهیم سازمان و دولت در خارج از متن چارچوب صورت‌بندی تجدد تردیدآمیز و پرسش برانگیز است، مگر آنکه نوعی نسبت و پیوند با تجدد برقرار کرده باشد. این در حالی است که دولت و نهادهای وابسته نیز همانند هر پدیده‌ای دیگر در پیوند با صورت خاصی از آگاهی، مستلزم تحقق مبانی و مقدمات و تکوین لوازم و شرایطی است که در افق تاریخی و فرهنگی رخصت یافته است. در چنین متن و بستری است که شخصیت ایرانی با ویژگی‌های فرهنگ سیاسی قرار می‌گیرد که باعث می‌شود سازمان را با اهداف شخصی خود پیش ببرند. فرهنگ سیاسی یک

اصطلاح تازه است که به دنبال روشن تر کردن و نظام یافته تر کردن بخش زیادی از دانسته‌ها در باب مفاهیمی چون روح و خلق و خوی ملی، روان‌شناسی سیاسی ملت‌ها و ارزش‌های سیاسی ملت‌ها و ارزش‌های بنیادین مردم است (پای، ۱۳۷۰: ۴۰). در شرایط پاتریمونیالیستی حاکم بر فرهنگ و تاریخ ایران به همراه شاه‌پدیری، نوعی خاص از ملزومات بر شخصیت فرد وارد می‌شود که به تبع آن روان‌شناسی اجتماعی ایرانی قابل شناسایی است. ویژگی‌های این پاتریمونیالیسم سنتی بدین شرح است: نظام اداری و سیاسی ابزاری در دست حاکم است و قدرت سیاسی به عنوان بخش مایملک شخص وی محسوب می‌شود، عدم تفکیک بخش عمومی و خصوصی و مبهم بودن مرزهای میان این دو، مرکزیت یابی و ستیز دائمی میان قدرت مرکزی (حاکم) و نیروهای گریز از مرکز، شخصی بودن امر سیاسی و اجتماعی یا خانواده‌بودن جامعه، تقرب به حاکم به عنوان عامل مهم افزایش قدرت، غیررسمی بودن سیاست که به علت فضای شخصی حاکم بر سیاست است. (شریف، ۱۳۸۱: ۴۴) به علاوه ویژگی خانواده در درون این فرهنگ پاتریمونیالیستی تجویز استبداد به درون جامعه به علت حاکم بودن روابط براساس تسلیم و نه برابری در درون تعاملات خانواده است. مجموعه‌ی این ویژگی‌ها باعث عدم رشد یافتگی «من» و در جازدن در نیازها و خواهش‌های خودخواهانه باعث می‌شود که از یک طرف فرد با خودخواهی و به مثابه‌ی کودکان همه چیز را برای خود بخواهد و از سوی دیگر عامل سرکوب بیرونی در وجود او درونی شود. به این ترتیب که وقتی فرد در مراحل مختلف شخصیتی به بالندگی نرسد جامعه و انسان میدان تاخت و تاز امیال او می‌شود و اسب سرکش سرخوشی‌های او تنها با زنجیر مهار می‌شود. طبعاً چنین فردی با این همه نازایی‌های شخصیتی و نیاز به سلسله مراتب، هم شیفته قدرت و هم آماده است تا تحت سلطه دیگران قرار بگیرد و همواره نهادهای مختلف بیرونی در مقابل بخش حیوانی شخصیت، نقش نهادها و سازمانها را انجام داده تا به جای مرجعیت، وی را کنترل کنند. به

عبارت دیگر در شرایط ناتوانی «من» همواره «ابرمن» و «او»^۱ رک و بی‌پرده در برابر همدیگر قرار می‌گیرند. یعنی به سبب سستی «من»، بخش مهمی از ابرمن به شکلی کوبنده درمی‌آید تا او را مهار کند و در این کار پیروز می‌شود (نوائی و همکاران، ۱۳۹۶).

حال ورود مفاهیم و مبانی مدرنیته چون دولت ملی، سازمان و ... که در بستر خرد ناب و «من مستقل درونی» فیخته و تجدد رشد و پرورده شده‌اند به درون فرهنگ سیاسی اقتدارگرایانه که با مبانی فکری و سازه‌های اندیشگی سنت و قوم‌گرایی درآمیخته و برفراز شخصیت اقتدارگرا ریشه دوانیده است باعث شکل‌گیری شمایی بی‌ریخت از مدرنیته، سازمانها و مفاهیمی آن با نام شبه مدرن می‌شود. ورود این مفاهیم و سازه‌ها بیش از هر چیز مستلزم یک «من» مستقل است که در پرتو آن شخصیت دموکراتیک با ویژگیهای مسئول، پاسخگو و ... شکل بگیرد. تعریف جدید جامعه مدنی در تعامل با شخصیت دموکراتیک وجود نهادهای خودگردان است. (قندچی تهرانی، ۱۳۸۳: ۳۸) این نهادها، واسطه‌ها یا نمایندگانی هستند که در سیاست‌گذاری‌ها میان وقایع اجتماعی و اعمالی که در پاسخ به آنها به وسیله سیاست‌گذاران انجام می‌پذیرد ارتباط برقرار می‌کنند (وحید، ۱۳۸۳: ۸۳). لذا مفاهیم مدرنیته مثل نهادها در بدو ورود به چنین فرهنگی تغییر چهره داده و سیاست‌گذاران به تجدد پیرامونی بدون مولفه‌های آن وارد کردن پیامدهای نهادی و تکنولوژیک آن با مبانی و بنیادهای اندیشگی سنت اکتفا کرده و از طرف دیگر این «من» نابالغ در تضاد با واقعیت وجودی این نهادها قرار می‌گیرد. بنابراین با داشتن چنین متن و بستر شخصیتی و فرهنگ سیاسی به محض ورود به ادارات دولتی، بدست

^۱ - در روانشناسی فروید، ساختار شخصیتی انسان از سه جزء تشکیل شده است. "او یا Id"، "من" یا ego و "من برتر" یا super ego. «او» خواهشهای نفسانی و جنسی و کام‌های کودکی است (لیبیدو)، که به وسیله‌ی "من برتر" و "من"، سرکوب و به ناخودآگاه رانده می‌شوند؛ یعنی «از یک سو ناخودآگاه بی‌بند و بار می‌خواهد لذت جوید، از سوی دیگر، خودآگاه محتاط و مقید راه را برای لذت‌جویی می‌بندد؛ پس میان این دو عامل روانی پیکار دائمی در می‌گیرد. در اینجا «من»، شخصیت خودآگاه و جامعه‌پسند است و "او"، ذات غریزی و وحشی درون ماست. (آریانپور، ۱۳۵۷: ۱۶۸)

آوردن پول و سرمایه و یا زد و بندهای کاری را برای حفظ امنیت کاری خود که حالا دیگر به شدت با امنیت روانی او پیوند خورده سرلوحه کار او قرار می‌گیرد (شفیعی و نوائی، ۱۳۸۹: ۱۴-۲۲).

۴. روش تحقیق

روش پژوهش برحسب هدف، کاربردی؛ برحسب نوع داده، (کمی) برحسب زمان گردآوری داده، مقطعی و میدانی است. جامعه آماری این پژوهش شامل دو گروه است. گروه اول ۲۷ نفر از صاحب نظران که شامل اساتید راهنما و خبرگان که در زمینه‌ی موضوع پژوهش آگاهی دارند انتخاب شدند تا از میان شاخص‌های متعددی که در نظریه فراست خواه به‌عنوان خلیقات ایرانیان مطرح شده مؤلفه‌های که بیشترین ارتباط را به مفهوم فسادسیاسی داشتند مشخص شد و سپس بر اساس آن مدل نظری جهت تحلیل حداقل مربعات جزئی رسم گردید. حجم نمونه تا رسیدن به اشباع نظری ادامه داشت. گروه دوم جامعه آماری شامل ۸۹ هزار نفر کارمندان دستگاه‌های اجرایی استان کرمان است. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۴۰۰ نفر محاسبه شد روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای است که به شیوه زیر عمل شد. جهت تهیه لیست دستگاه‌های اجرایی استان کرمان به مرکز اطلاع‌رسانی آمار و اطلاعات معاونت برنامه‌ریزی استانداری شهر کرمان که مرکز استان است مراجعه شد و لیست اسامی ادارات در اختیار محقق قرار گرفت. که نهایتاً این ارگان‌ها مورد تحلیل قرار گرفتند فرمانداری کرمان، فرمانداری جیرفت، اداره کل امور مالیاتی استان کرمان، فرمانداری شهر بابک، فرمانداری قلعه گنج، فرمانداری راور، فرمانداری بم، سازمان جمع‌آوری اموال تملیکی استان کرمان، فرمانداری منوجان، فرمانداری رفسنجان، اداره کل کار و امور اجتماعی استان کرمان، اداره کل تعزیرات حکومتی استان کرمان، اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمان، اداره کل ثبت احوال استان کرمان، سازمان امور اقتصادی و دارایی استان کرمان. روش گردآوری اطلاعات میدانی و کتابخانه‌ای بود و ابزار تحقیق پرسشنامه تاپسیس و پرسشنامه محقق ساخته بود. جهت تعیین سنجش پایایی پرسشنامه تاپسیس نیز یک مرحله پیش‌آزمون انجام گرفت. بدین صورت که ابتدا پرسشنامه بین ۳۰ نفر از حجم نمونه توزیع و جمع‌آوری و پس از وارد کردن داده‌ها، با استفاده از نرم‌افزار SPSS ضریب پایایی (آلفای کرونباخ) محاسبه گردید؛ که در نتیجه آن برای پرسشنامه مقدار ۰٫۸۷۹ به دست آمد که بیانگر ثبات و

همسانی درونی پرسشنامه هست در این پژوهش برای بررسی روایی پرسشنامه از روش روایی محتوایی استفاده شده است، بدین صورت که پس از تهیه پرسشنامه اولیه با توجه به مقالات پیشین، روایی پرسشنامه توسط چند نفر از خبرگان امر و اساتید راهنما و مشاوره که دانش و تجربه در موضوع، تمایل، زمان کافی برای شرکت و مهارت‌های و دانش لازم داشتند مورد بررسی قرار گرفت و اصلاحاتی بر روی پرسشنامه اعمال و در نهایت روایی آن تأیید گردید . همچنین پایایی پرسشنامه محقق ساخته در آزمون پری تست ۰/۸۸ به دست آمد و روایی محتوایی و صوری آن تأیید شد. در این پژوهش برای بررسی روایی پرسشنامه از روش روایی محتوایی استفاده شده است، بدین صورت که پس از تهیه پرسشنامه اولیه با توجه به مقالات پیشین، روایی پرسشنامه توسط چند نفر از خبرگان امر و اساتید راهنما و مشاوره که دانش و تجربه در موضوع، تمایل، زمان کافی برای شرکت و مهارت‌های و دانش لازم داشتند مورد بررسی قرار گرفت و اصلاحاتی بر روی پرسشنامه اعمال و در نهایت روایی آن تأیید گردید .

یافته های تحقیق:

جدول ۱. عناوین کتاب مورد بررسی

۱	ناگفته ها	حسن نراقی
۲	نجات	علی محمد ایزدی
۳	چرا عقب مانده ایم؟	علی محمد ایزدی
۴	در پیرامون خودمداری ایرانیان	حسن قاضی مرادی
۵	استبداد در ایران	حسن قاضی مرادی
۶	تاملی بر عقب ماندگی ما	حسن قاضی مرادی
۷	در ستایش شرم	حسن قاضی مرادی
۸	نوسازی سیاسی در عصر مشروطه ایران	حسن قاضی مرادی
۹	ملکم خان	حسن قاضی مرادی
۱۰	کار و فراغت ایرانیان	حسن قاضی مرادی
۱۱	در فضیلت مدنیت	حسن قاضی مرادی
۱۲	عقلانیت و آینده ی توسعه یافتگی ایران	محمود سریع القلم
۱۳	اقتدارگرایی ایرانی در عهد قاجار	محمود سریع القلم
۱۴	فرهنگ سیاسی ایران	محمود سریع القلم

حسن قاضی مرادی	درآمدی بر تفکر انتقادی	۱۵
حسن قاضی مرادی	شوق گفت و گو و گستردگی فرهنگ تک گویی در میان ایرانیان	۱۶
علی رضاقلی	جامعه شناسی نخبه کشی	۱۷
محمدعلی جمال زاده	خلقیات ما ایرانیان	۱۸
مقصود فراستخواه	ما ایرانیان	۱۹

و از میان کتاب ها و منابع بالا دو کتاب انتخاب شد. یکی کتاب فراست خواه به این دلیل که دلیل نزدیکترین کتاب به پژوهش محقق از نظر روشی و نظری بود انتخاب شد. و صفات ذکر شده در این کتاب به عنوان مولفه های مورد آزمون در گام اول انتخاب و برای اطمینان پرسشنامه مقایسه زوجی تهیه شد و بین ۲۷ نفر از صاحب نظران که شامل اساتید راهنما و خبرگان که در زمینه موضوع پژوهش آگاهی داشتند؛ پخش شد.

یافته های توصیفی :

غربال گری شاخص ها

جدول ۲. نتایج حاصل از غربال گری شاخص ها

نتیجه	مقدار قطعی	میانگین فازی	شاخص ها
عدم پذیرش	۰/۴۳۳	62)۴5,0.۱65,0.۲(0.	رعیت صفتی
پذیرش	۰/۸۹۶	(0.712,0.881,0.962)	ضعف مسئولیت پذیری
عدم پذیرش	۰/۳۰۱)۱7۰8,0.۱۰42,0.۲(0.	آبروداری
عدم پذیرش	۰/۳۱۳	54)۱46,0.۲58,0.۳(0.	کمال گرایی عمومی
پذیرش	۰/۸۲۶	(0.592,0.796,0.927)	خودمحوری
پذیرش	۰/۶۹۰	(0.742,0.9,0.969)	مردم داری

نتیجه	مقدار قطعی	میانگین فازی	شاخص‌ها
عدم پذیرش	۰/۳۵۱	42)۱42,0.۰5,0.۴۱(0.	ضعف خودتنظیمی
پذیرش	۰/۸۶۸	(0.642,0.827,0.942)	تقدیرگرایی
عدم پذیرش	۰/۳۱۹	46)۰27,0.۱27,0.۱(0.	تقلب
عدم پذیرش	۰/۲۷۱	6)۰۰6,0.۱۰,0.۰8۱(0.	زرنگی
عدم پذیرش	۰/۴۲۱	27)۲96,0.۱92,0.۱(0.	تملق‌گویی
پذیرش	۰/۸۵۸	(0.688,0.865,0.962)	اقتدارگرایی
عدم پذیرش	۰/۳۰۴	08)۴81,0.۳81,0.۲(0.	بیگانگی
پذیرش	۰/۸۰۰	(0.746,0.892,0.965)	عدم صداقت
عدم پذیرش	۰/۳۲۷	62)۲65,0.۳88,0.۱(0.	ریا و مقدس‌نمایی
عدم پذیرش	۰/۲۷۲	38)۱42,0.۰1,0.۱۳(0.	بحران هویت
پذیرش	۰/۸۳۸	(0.688,0.865,0.962)	بی‌اعتمادی
عدم پذیرش	۰/۳۰۱	69)۲5,0.۱۱19,0.۱(0.	ضعف هنجاری
عدم پذیرش	۰/۲۵۶	65)۲2,0.۱۲6,0.۲۱(0.	کم بودن روحیه تفاهم
عدم پذیرش	۰/۴۶۸	62)۲5,0.۴۱88,0.۲(0.	بدگمانی
عدم پذیرش	۰/۲۳۸)۲۰۱5,0.۰۱35,0.۱(0.	دیگر ناپذیری

نتیجه	مقدار قطعی	میانگین فازی	شاخص‌ها
عدم پذیرش	۰/۳۲۱	92)۱19,0.۲7,0.۱۰(0.	رفتارهای فرصت‌طلبی

چنانچه در جدول بالا می‌بینیم مؤلفه مقدار قطعی لازم را به دست آمد.

یافته‌های استنباطی :

فرضیه اصلی :

خلقیات اجتماعی کارگزاران اداری بر فساد سیاسی کارکنان ادارات استان کرمان تاثیر گذاشته است.

بررسی هم خطی چندگانه

جدول ۳. آزمون هم خطی چندگانه (VIF)

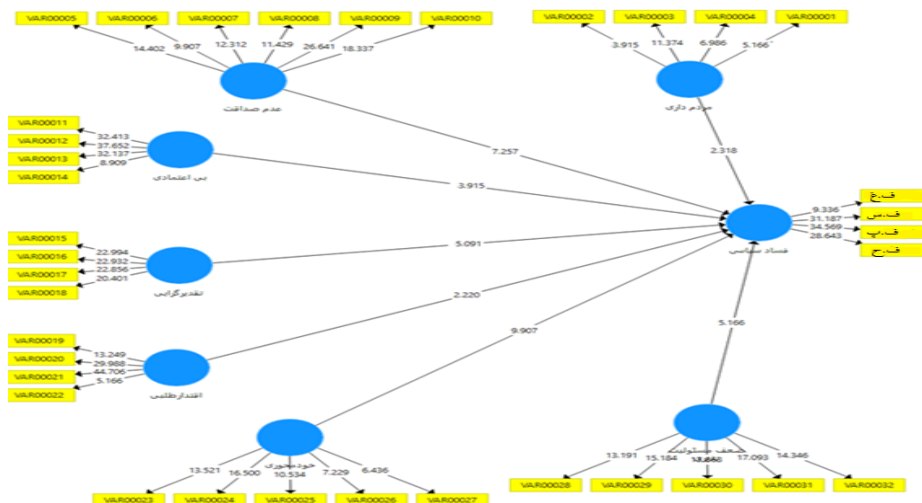
VIF	متغیر
۱,۲۲۳	مردم داری
۱,۱۴۳	عدم صداقت
۱,۱۷۶	بی اعتمادی
۱,۲۹۳	تقدیرگرایی
۱,۸۷۳	اقتدارگرایی
۱,۲۹۸	خودمحوری
۱,۱۹۳	ضعف مسئولیت پذیری
۲,۰۲	فساد سیاسی

طبق نتایج جدول ۳، مقدار VIF مولفه های تحقیق کمتر از ۳ به دست آمده است. بنابراین مولفه های تحقیق هم خطی ندارند.

شکل ۱. بار عاملی مدل تحقیق (مدل بیرونی)



شکل ۲. آماره تی بوت استراییبگ مدل تحقیق (مدل بیرونی تحقیق)



عدم صداقت	۰,۸۵۳	۰,۸۹۵					
بی اعتمادی	۰,۸۲۵	۰,۸۶۰	۰,۸۶۷				
تقدیرگرایی	۰,۷۹۲	۰,۸۴۵	۰,۸۷۲	۰,۸۸۹			
اقتدارگرایی	۰,۷۵۳	۰,۸۴۶	۰,۸۶۵	۰,۸۷۰	۰,۸۹۱		
خودمحوری	۰,۷۳۶	۰,۷۹۳	۰,۸۰۴	۰,۸۶۰	۰,۸۵۳	۰,۸۹۰	
ضعف مسئولیت پذیری	۰,۷۰۳	۰,۷۷۴	۰,۸۱۰	۰,۸۱۷	۰,۸۲۵	۰,۸۸۳	۰,۸۹۴
فساد سیاسی	۰,۶۹۲	۰,۷۵۷	۰,۷۶۱	۰,۷۷۵	۰,۷۹۲	۰,۸۰۰	۰,۸۱۶
							۰,۸۸۶

همان طور که در جدول ۵ مشخص است مقادیر موجود در روی قطر اصلی ماتریس، از کلیه مقادیر موجود در ستون مربوط آن بزرگتر است و نشان دهنده آن است که مدل ما دارای روایی و اگرایی مناسبی است. تحقیقات اخیر توسط هنسلر و همکاران (۲۰۱۵) نشان می دهد که معیار فورنل لاگر هنگامی که بارهای عاملی سازه ها اختلاف جزیی باهم دارند، به خوبی عمل نمی کند. بنابراین هنسلر و همکاران معیار HTMT را به عنوان جایگزین پیشنهاد داده اند. در صورتی که مقادیر تمامی اعداد مندرج در ستون ها در این روش کمتر از ۰,۹ باشد مدل از روایی و اگرایی مناسب برخوردار خواهد بود

جدول ۶. نتایج روش HTMT جهت بررسی روایی و اگرایی

	مردم داری	عدم صداقت	بی اعتمادی	تقدیرگرایی	اقتدارگرایی	خودمحوری	ضعف مسئولیت پذیری	فساد سیاسی
مردم داری								
عدم صداقت	۰,۸۲۰							

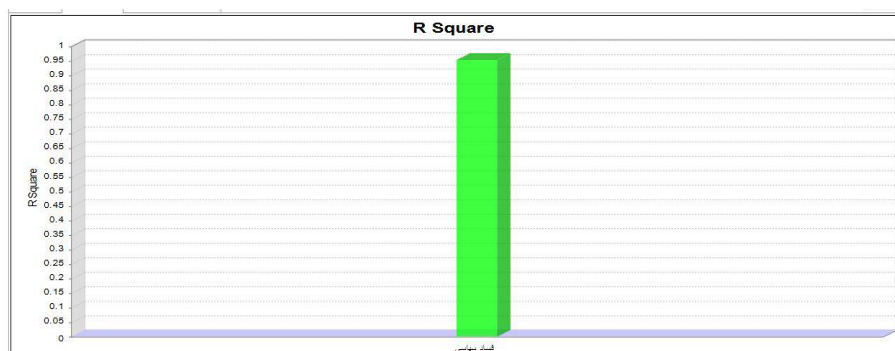
فساد سیاسی	ضعف مسئولیت پذیری	خودمحوری	اقتدارگرایی	تقدیرگرایی	بی اعتمادی	عدم صداقت	مردم داری	
								بی اعتمادی
								تقدیرگرایی
								اقتدارگرایی
								خودمحوری
								ضعف مسئولیت پذیری
								فساد سیاسی

با توجه به جدول ۶. اینکه مقدار اعداد به دست آمده کمتر از ۰,۹ است، بنابراین روایی و اگرایی HTMT مورد قبول است.

مدل درونی (مدل ساختاری)

معیاری است که برای متصل کردن بخش اندازه گیری و بخش ساختاری مدل سازی معادلات ساختاری به کار می رود و بیانگر میزان تغییرات هر یک از متغیرهای وابسته مدل است که به وسیله متغیرهای مستقل تبیین می شود. نکته ی حیاتی در اینجا این است که R2 تنها برای سازه های درون زا (وابسته) مدل محاسبه می گردد و در مورد سازه های برون زا مقدار این معیار صفر است. هر چه قدر مقدار R2 مربوط به سازه های درون زا یک مدل بیشتر باشد نشان از برازش بهتر مدل است. سه مقدار ۰,۱۹، ۰,۳۳ و ۰,۶۷ را به عنوان ضعیف، متوسط، قوی بودن مدل تعیین می کنند.

شکل ۳. مقدار R2



بر اساس نتایج شکل ۳ ضریب تعیین (R^2) سازه‌های درونزای مدل پژوهش مطلوب می‌باشد. مقدار ضریب تعیین عملکرد مولفه‌های وابسته نشان می‌دهد که ۴۸ درصد از تغییرات متغیرهای مدل از مجموع تاثیرات متغیرات مستقل و وابسته توضیح داده می‌شود که قویاً قابل قبول است

برازش کلی مدل (معیار GOF)

این معیار مربوط به بخش کلی مدل‌های معادلات ساختاری است. بدین معنی که توسط این معیار، محقق می‌تواند پس از بررسی برازش بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل کلی پژوهش خود برازش بخش کلی را نیز کنترل نماید. معیار GOF توسط تین هاوس و همکاران ابداع گردید و طبق فرمول زیر محاسبه می‌گردد:

$$GOF = \sqrt{Avg(Communalities) \times R^2}$$

Communalities نشانه میانگین مقادیر اشتراکی هر سازه و R^2 نیز مقدار میانگین

واریانس تبیین شده سازه‌های درونزای مدل می‌باشد.

وتزلس و همکاران سه مقدار ۰،۰۱-۰،۲۵-۰،۳۶ را به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و

قوی برای GOF معرفی نموده‌اند. محاسبه معیار GOF:

$$(R^2) = 0.96 Avg$$

$$GOF = \sqrt{0.935 \times 0.96} = 0.947$$

بنابراین بر اساس GOF نیز مدل مورد تأیید است.

متغیر ها	Q ²	F ²							
		مردم داری	عدم صداقت	بی اعتماد ی	تقدیرگرایی	اقتدارگرایی	خودمحموری	ضعف مسئولیت پذیری	فساد سیاسی
خودمحموری	۰,۷۲۸								۰,۵۱۳
ضعف مسئولیت پذیری	۰,۵۰۴								۰,۳۸۱
فساد سیاسی	۰,۷۷۳								۰,۷۴۰

همان طور که در جدول ۷ نشان داده شده است، مقدار بدست آمده از معیار Q² که قدرت پیش بینی مدل را برای سازه های درون زان نشان می دهد، حاکی از آن است که قدرت پیش بینی سازه های پژوهش به صورت قوی برآورد می شود.

ارزیابی فرضیات تحقیق

در این قسمت براساس نتایج حاصل شده از محاسبه کمترین مربعات جزئی براساس بارعاملی و بوت استرپینگ، فرضیه های پژوهش مورد بررسی قرار گرفته اند

جدول ۸. نتایج فرضیات فرعی پژوهش

وضعیت	سطح معناداری	آماره تی	ضریب مسیر	فرضیه
تأیید	۰,۰۰۰	۳,۹۱۵	۰,۷۱۲	بی اعتمادی به دلیل احساس ناامنی باعث افزایش فساد سیاسی کارکنان ادارات استان کرمان شده است.
تأیید	۰,۰۰۰	۷,۲۵۷	۰,۷۴۸	عدم صداقت به دلیل نهادینه نشدن دموکراسی باعث افزایش فساد سیاسی کارکنان ادارات استان کرمان

وضعیت	سطح معناداری	آماره تی	ضریب مسیر	فرضیه
تأیید	۰,۰۰۰	۲,۳۱۸	۰,۶۷۳	۰.۲ مردم داری به دلیل قوم گرایی باعث افزایش فساد سیاسی کارکنان ادارات استان کرمان
تأیید	۰,۰۰۰	۹,۹۰۷	۰,۵۹۷	۰.۳ خودمحوری به دلیل عدم شکل گیری نهادهای قانونی و پایندی به قوانین باعث افزایش فساد سیاسی کارکنان ادارات استان کرمان
تأیید	۰,۰۰۰	۵,۱۶۶	۰,۳۶۴	۰.۴ ضعف در مسئولیت پذیری به دلیل گرایش به تقسیم کار ایلیاتی باعث افزایش فساد سیاسی کارکنان ادارات استان کرمان
تأیید	۰,۰۰۰	۵,۰۹۱	۰,۵۸۲	۰.۵ تقدیرگرایی به دلیل اعتقاد به ناتوانی در تعیین سرنوشت باعث افزایش فساد سیاسی کارکنان ادارات استان کرمان
تأیید	۰,۰۰۰	۲,۲۲۰	۰,۵۵۷	۰.۶ اقتدار طلبی به دلیل شیوه تربیتی پدرسالارانه باعث افزایش فساد سیاسی کارکنان ادارات استان کرمان

با توجه به یافته های تحقیق فرضیات فرعی تأیید شده اند.

بحث و نتیجه گیری :

بر هیچ کس پوشیده نیست که زمانی از خلیقات یا منش ملی یک ملت صحبت می شود مجموعه ای از صفات مثبت و منفی را شامل می گردد. در این پژوهش به دلیل محدودیت های که در آزمون مدل های کلان وجود دارد و باید به سطح خردتری تبدیل شوند تا قابل آزمون گردد، به متخصصین حوزه پژوهش مراجعه شد تا از میان مجموعه خلیقاتی از ایرانیان که می تواند بر فساد سیاسی اثرگذار باشد شاخص های پژوهش را مشخص نمایند. در نهایت خود متغیر فساد سیاسی چون یک بار منفی دارد شاخص های انتخاب شده اکثریت بار منفی دارند. این نتایج نشان دهنده وجود زمینه هایی علی است، که می تواند باعث گسترش یا افزایش فساد سیاسی شود. وگرنه شجاعت، مسئولیت پذیری، عدالت خواهی، دادخواهی، عدم ظلم پذیری،

صفاتی هستند که با تکیه بر آنها می‌توان خیلی از پرونده‌هایی فساد سیاسی را روشن نمود. با توجه به جدول ۱ نتایج حاصل از غربال‌گری شاخص‌ها را نشان می‌دهد، از میان مجموعه‌ای از خلقیاتی که به صاحب‌نظران ارائه شد مجموعاً شاخص‌های بی‌اعتمادی، عدم صداقت، مردم‌داری، اقتدارطلبی، خودمحوری، ضعف مسئولیت‌پذیری و تقدیرگرایی مورد تایید قرار گرفت. لازم به ذکر است این شاخص‌ها توسط محقق مطرح شد اما نهایتاً توسط صاحب‌نظران تایید شدند. به عبارتی می‌توان گفت مدل نظری نوعی روایی صوری و محتوایی دارد چرا که با تایید صاحب‌نظران رسم شده است و در مدل کلی تحقیق که مدل اندازه‌گیری (رابطه هر یک از متغیرهای قابل مشاهده به متغیر پنهان) و مدل مسیر (روابط متغیرهای پنهان با یکدیگر) محاسبه شده است. با توجه به برآزش مدل می‌توان گفت ارتباط معنی‌داری میان خلقیات اجتماعی و فساد سیاسی وجود دارد. خلقیات ایرانیان ماهیتی معین و ثابتی ندارد که با ذات باوری و به سهولت بتوان از صفات و خصوصیات آن سخن گفت، لذا در این پژوهش سعی شد که پیش‌فرض ذهنی که در مورد خلقیات ثابت ایرانیان وجود دارد و در میان عامه مردم مطرح می‌گردد که منجر می‌شود بگوییم فساد سیاسی در جامعه ایرانی رو به گسترش است مورد آزمون قرار گیرند. بطور کلی می‌توان دو دیدگاه در مورد بحث خلقیات ایرانیان مطرح ساخت یکی اندیشمندانی که با نگاه میهن‌پرستانه افراطی به فرهنگ ایرانی می‌نگرند و آن را سرشار از صفات خوب و زیبا می‌بینند و هرگونه نقدی را به فرهنگ جامعه ایرانی نمی‌پذیرند؛ دسته دیگر هم می‌پذیرند که ضعف‌ها و کاستی‌هایی در فرهنگ ایرانی وجود دارد اما نباید با تأکید بر آنها و مطرح ساختن آنها روحیه ملی را تضعیف کرد. روح و فرهنگ جامعه در ایران به یک فرهنگ دوگانه تبدیل شده است که در موقعیت‌های گوناگون، متفاوت عمل می‌کند. در زمینه فکری و فرهنگی نیز همین دوگانگی وجود دارد، همین دوگانگی ما را به سمت مسئله اصلی رهنمون می‌سازد، که افرادی که در حوزه اجتماع به گونه‌ای نسبتاً مقبول رفتار می‌کنند، همین افراد در حوزه نفع، تا جایی که امکان داشته باشد به هیچ اصلی پایبند نیستند. مطرح نشدن و ندیده انگاشتن این فرهنگ در جامعه پیامدهای فراوانی به دنبال آورده است؛ یک از این پیامدها برخورد با مسئله فساد سیاسی است. مسئله فساد آن‌قدر در جوامع مدرن اهمیت دارد که از آن به‌عنوان سرطان اجتماع نام می‌برند و با آنکه ایران چند دهه تاریخی متفاوت را پشت سر گذاشته است همچنان با این معضل به خصوص با نوع فساد سیاسی

آن دست به گریبان بوده است.

فرض اصلی این تحقیق این بود که مؤلفه‌های چون ضعف در مسئولیت‌پذیری، خودمحوری، عدم صداقت، بی‌اعتمادی، مردم‌داری، تقدیرگرایی و اقتدارطلبی منجر به افزایش فساد سیاسی کارکنان ادارات استان کرمان شده است؛ اما با تحقیق و بررسی بیشتر مشخص گردید زمینه‌های علی زمینه ساز این خلیقات به عنوان متغیرهای واسط عمل می‌کنند و زمینه ساز شکل‌گیری این ویژگی‌ها شوند. بدین ترتیب فرضیه به این شکل آزمون شد و نشان داد که خلیقات اجتماعی به دلیل عدم شفافیت قوانین باعث افزایش فساد سیاسی کارکنان در ادارات استان کرمان شده است. به عبارتی باید چنین تبیین کرد که دلیل اصلی بروز این شکل از خلیقات اجتماعی ایرانیان را می‌توان شرایط استبدادی و ساختار قدرت به شدت متصلب و مناسبات ارباب-رعیتی تاریخی در ایران، فرهنگ پدرسالاری و زیست ایلیاتی و ناامنی‌ها و ناپایداری‌ها و ... بیان کرد. وجه مشترک همه آثار و مکتوبات در این زمینه تکیه و تأکید بیش‌تر بر مسئله استبداد و جایگاه آن در تبیین خلیقات ایرانیان است. ساختار استبداد تاریخی در ایران تأثیر مستقیمی در روحیه استبدادزده جامعه‌ی ایرانی دارد و این روحیه استبدادزده به بازتولید استبداد ایرانی، اقتدارگرایی ایرانی، تک‌روی، و خودمداری ایرانی می‌انجامد. مشکلات امروز جامعه ایران را می‌توان نشأت گرفته از تاریخ و فرهنگ گذشته جامعه ایرانی دانست و با تأکید بر پیوند میان ساختار استبدادی و خلیقات اجتماعی جامعه، حاکمیت‌های استبدادی در ایران باعث حاکمیت ارزش‌های خودمدار در جامعه ایرانی شده است و در نتیجه، ایرانیان تک‌رو و فاقد روحیه جمعی و مشارکتی و مسئولیت‌پذیری و دیگر ویژگی‌های دگرخواهانه اند. فرض اصلی گفتمان یادشده این است که فقدان اخلاق مدنی ناشی از وضعیت استبدادی همیشگی ایرانیان است. این یعنی ساختار اجتماعی و خلیقات ایرانیان از ساختار همواره استبدادی آن ناشی شده است و حکومت‌های استبدادی در جامعه ایران حاکمیت نظام ارزش‌های اجتماعی خودمدار را در مناسبات اجتماعی اقتصادی افراد به دنبال داشته است. فساد سیاسی را می‌توان سوءاستفاده از قدرت عمومی توسط فردی که قدرت را در اختیار دارد دانست؛ این پدیده هم در میان افرادی که در مرتبه‌های بالای قدرت و هم در میان کارگزاران خرد جامعه وجود دارد. عموماً فساد سیاسی را کسانی انجام می‌دهند که دارای قدرت هستند و برای رسیدن به اهداف سیاسی خود شرایطی فراهم می‌کنند و به

فساد سیاسی و میان‌برهای آن وجهه قانونی می‌بخشد. فساد سیاسی در ساختارهای اداری و سازمانی نیز می‌تواند شکل بگیرد چرا که انتقال قدرت در ادارات هم صورت می‌گیرد. به عنوان مثال کارمند یک اداره به دنبال کسب معاونت یک اداره است، چرا که سمت به فرد قدرت عمل و عملکرد فرد را بالایی برد؛ پس نزاع اصلی بر کسب قدرت از ادارات و در سطوح پایین هم می‌تواند وجود داشته باشد و تا سطوح بالاتر در سطح کلان ادامه یابد. نوع رفتار و عملکرد مدیریک سازمان می‌تواند بر رفتار و عملکرد رفتاری کارمندان نیز تاثیر بگذارد. با توجه به نتایج گفته شده لازمه آن ارائه راهکارهایی است تا بتوان از این سرطان اجتماعی نجات پیدا کنیم. لذا با توجه به مطالب ذکر شده از دید محقق پیشنهاداتی ارائه می‌گردد.

- اراده واقعی برای افشاسازی فساد سیاسی
- آموزش و اصلاحات در نهادهای آموزشی و نهاد دولت
- نهادینه شدن قدرت
- کارایی و اثربخشی نظارت
- ایجاد بستری برای گردش نخبگان سیاسی

منابع و مآخذ:

- فهرست منابع:
- ایزدی، علی محمد، (۱۳۷۱). **نجات**، تهران: انتشارات قلم
- ایزدی، علی محمد (۱۳۹۸)، **چرا عقب مانده ایم؟**، تهران: انتشارات علم.
- آریان پور، امیرحسین. (۱۳۵۷)، **فرویدیسیم**، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- جمال زاده، محمدعلی (۱۳۴۵). **خلیقات ما ایرانیان**، تهران: انتشارات نوید
- رحمانیان، سمیرا؛ کریمی، مجیدرضا؛ راسخ، کرامت اله (۱۴۰۱). «تعیین کننده‌های اجتماعی گرایش به فساد اداری و مالی در بین کارمندان دولتی شهر جهرم»، **فصلنامه مطالعات جامعه‌شناسی**، شماره ۵۴ (۱۵)، صص ۹۹-۱۲۲.
- رفیعی، ویدا؛ معصومی، مجید؛ گلپور، مجید (۱۴۰۱). «تأثیر خلیقات اجتماعی بر فساد سیاسی (مورد مطالعه ادارات استان کرمان)»، **ماهنامه علمی جامعه شناسی سیاسی ایران**، سال پنجم، شماره ۱۱، صص ۴۶۰۱-۴۶۱۵.
- سپهوند، رضا؛ عارف‌نژاد، محسن؛ سپه‌وند، مسعود؛ فتحی چگنی، فریبرز (۱۳۹۷). «اثر سرمایه ساختاری بر کاهش فساد اداری با نقش میانجی انگیزه‌های فردی ارتکاب فساد (مطالعه موردی: سازمانهای دولتی استان کرمان)»، **فصلنامه مدیریت دولتی**، سال ۱۰ شماره ۴، صص ۵۸۳-۶۰۴.
- سریع القلم، محمود (۱۳۸۹). **عقلانیت و آینده‌ی توسعه یافتگی ایران**، تهران: انتشارات فرزانه روز.
- سریع القلم، محمود (۱۳۹۰). **اقتدارگرایی ایرانی در عهد قاجار**، تهران: انتشارات فرزانه روز.
- سریع القلم، محمود (۱۳۹۷). **فرهنگ سیاسی ایران**، تهران: انتشارات فرزانه روز.
- شریف محمدرضا (۱۳۸۱). **انقلاب آرام**، تهران: روزنه.
- فرستخواه، مقصود (۱۳۹۴). **ما ایرانیان**، تهران: انتشارات نی.
- قاضی مرادی، حسن (۱۳۷۱). **در پیرامون خودمرداری ایرانیان**، تهران: انتشارات اختران.
- قاضی مرادی، حسن (۱۳۹۸). **تاملی بر عقب ماندگی ما**، تهران: انتشارات اختران.
- قاضی مرادی، حسن (۱۴۰۰). **در فضیلت مدنیت**، تهران: انتشارات اختران.
- قاضی مرادی، حسن (۱۴۰۰). **درآمدی بر تفکر انتقادی**، تهران: انتشارات اختران.
- قاضی مرادی، حسن (۱۳۸۵). **نوسازی سیاسی در عصر مشروطه ایران**، تهران: انتشارات اختران.
- قاضی مرادی، حسن (۱۳۹۵). **ملکم خان**، تهران: انتشارات اختران.
- قاضی مرادی، حسن (۱۳۹۷). **شوق گفت‌وگو و گسترده‌ی فرهنگ تک‌گویی در میان ایرانیان**، تهران: انتشارات اختران.
- قاضی مرادی، حسن (۱۳۹۹). **استبداد در ایران**، تهران: انتشارات اختران.
- قاضی مرادی، حسن (۱۳۹۹). **کار و فراغت ایرانیان**، تهران: انتشارات اختران.
- قاضی مرادی، حسن (۱۴۰۰). **در ستایش شرم**، تهران: انتشارات اختران.
- قندچی، تهرانی، مسعود (داود) (۱۳۸۳). **استبداد و اقتدار گزایی**، تهران: نشر همراه.
- نراقی، حسن (۱۳۹۲). **ناگفته‌ها**، تهران: انتشارات اختران
- نوائی، فرهاد؛ کتابی، محمود و شفیعی، اسماعیل (۱۳۹۶). «تأثیر شیوه تربیتی استبدادی بر فرهنگ سیاسی در دوره پهلوی دوم»، **رهیافت انقلاب اسلامی**، سال یازدهم، شماره ۴۰، صص ۶۵ تا ۴۵.
- نوائی، فرهاد؛ شفیعی، نوذر (۱۳۸۹). «فساد درون سازمانی در پرتو شخصیت اقتدارگرا و ساخت پاتریمونالیسم سنتی و ایلستانی جامعه»، **فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی**، شماره پنجم، صص ۲۶-۱.
- نوروزی، نورمحمد (۱۳۸۲). **تحول گفتمان سیاسی و پوشش الگوی رفتار سیاست خارجی ایران**، پایان نامه دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- ویر، ماکس (۱۳۷۳). **اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری**، ترجمه عبدالکریم رشیدیان و پریسا منوچهری کاشانی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- وحید، مجید (۱۳۸۳). **سیاست‌گذاری عمومی**، تهران: میزان.
- هیکس، هربرت؛ گولت، ری (۱۳۸۱). **تئوری‌های سازمان و مدیریت: کلیات و مفاهیم** (جلد ۱)، مترجم: گوئل کهن، تهران: انتشارات روزنامه اطلاعات.
- هیود، پل (۱۳۹۷). «**فساد سیاسی**»، ترجمه میرقاسم بنی‌هاشم و محمد طاهری، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی

منابع انگلیسی

- Miro Hacek, Simona Kukovic, Marjan Brezovsk (۲۰۱۳) **Corruption and Suspicion Issues in Slovenian Coercive Political Institutions** ۳۲(۱)، ۴۱-۸۵
- Sikka, Prem, Lehmann, Glenn (۲۰۱۵) **Corruption and the Limits of Corruption Prevention in Public Procurement and Constructing Ethical Issues** ۱۲ (۲) ۱۴۴-۱۵۳.
- Terhune, Kenneth, w (۱۹۷۰) from national character to national behavior A reformulation ,vol۱۴, No.۲:۲۰۳-۲۶۳